

هجدهمین سالگرد انقلاب

هممیهنان،

هجدهمین سالگرد انقلاب در هنگامی فرامی‌رسد که ایران دیرینه‌سال در ورطه‌ی هولناکی فرو افتاده و، با زشت‌کاری‌ها برکرسی‌قدرت‌نشستگان، زندگی ملّی به سختی آسیب دیده و آن همه شورمندی جای خود را به پریشانی و پیشیمانی داده است.

مردمی آرمان‌خواه، که در راستای بازگشت به خویش‌تن خویش به تکاپو برخاسته بودند، هجده سال پیش در چنین روزی زمین و زمان را به لرزه افکندند تا «طرحی نو در اندازند».

بر خلاف نغمه‌سراییه‌های غرض‌ورزانه، انقلاب بیست و دوم بهمن یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هفت، ضرورتی تاریخی بود؛ زیرا ایرانیان با بهره‌گیری از آزمون‌های دو نقطه‌ی عطف زندگی خود، خیزش مشروطیت و جنبش ملّی کردن صنعت نفت، که هر کدام به‌رغم پیروزی‌های چشمگیر نخستین در رویارویی با دسیسه‌های پی‌درپی استعمار پیوندخورده با استبداد و ارتجاع سرانجام به ناکامی کشانده شده بودند، با برداشت درستی، به‌گرد در گرداندگی کارهای کشور در چارچوب نظم حاکم در آن هنگام را بسنده تلقی نکردند و، برای برآوردن خواست‌های میهنی، دگرگونی ریشه‌دار در همه‌ی زمینه‌ها را بایسته شناختند.

انقلاب بیست و دوم بهمن یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هفت، که پرباری فرهنگ جوشیده از آمیختگی ایرانیگری و اسلام‌باوری را با خود داشت، فروزش اراده‌ی ملتی بود که در راستای پیش‌روندگی بارها با ترفندهای امپریالیست‌های جهان‌خوار و دست‌نشانندگان آن‌ها روبه‌رو گشته و شکست خورده، ولی هرگز از پا نیفتاده است.

با دریغ، در پی پیروزی ملت، هنوز نبض توفنده‌ی انقلاب برای پایان دادن به هر گونه سلطه‌گری در رگویی اجتماع می‌کوبید که بازیگری خودجلوانداختگان آغاز شد تا شکل دیگری از یکه‌تازی در کشور برقرار گردد.

هیچ انقلابی در یک جابه‌جایی قدرت خلاصه نمی‌شود و بی‌گمان باید گنجایش بالایی از توان سازندگی داشته باشد و به‌زیستی مردم را فراهم آورد و حتی زمینه‌ساز آسایش و سرافزایی نسل‌های آینده گردد.

انقلاب ایران به سبب سست‌عنصری زمامداران وقت و بی‌بهره بودن آنان از هر پایگاه مردمی با تلاش همه‌جانبه‌ی انبوهی از گروه‌های اجتماعی گوناگون تا اندازه‌ای آسان به پیروزی رسید و سازمان فراگیر و رهبری جمعی درخوری نیز که در کوره‌ی درگیری‌ها گداخته و هماهنگ گردیده باشد نیافت و به‌زودی مورد دستبرد قرار گرفت و به بیراهه انداخته شد.

خوشه‌چینان از گرد راه رسیده باورهای دینی مردم را تنخواه‌گردان سیاسی کردند و، با درهم‌شکستن جدول

ارزش‌های انقلاب، تاروپود سامان فرمانروایی کشور را با چنان واپس‌گرایی تنیدند که سخت با نیاز ملّی ایرانیان بیگانه بود و دوران تازه‌ای از خودکامگی را در پی داشت.

آنچه زیر نام «جمهوری اسلامی» با قانون اساسی پرنقصی بر انقلاب بار شد از کارمایه‌ی کشورداری تهی بود و نتوانست هیچ دگرگونی بنیادی در رابطه‌های اقتصادی و اجتماعی و هیچ نوآوری سیاسی و پویایی فرهنگی پدید آورد و فرصت‌های تاریخی بسیاری را هم از دست داد.

این همه سبب شد تا حزب ما در بررسی بحران سهمگینی که دامنگیر کشور گردیده سود و صلاح ملی را در جدایی دین از دولت بازشناسد و بخواهد تا هر یک در جای خویش قرار گیرد و قلمرو ویژه‌ای داشته باشد. برآیند کارکرد پیش‌رانده‌شدگان پس‌از پیروزی انقلاب در این مدت دراز، به‌ویژه از هنگامی که با نسخه‌پیچی کانون‌های جهانی سرمایه‌گرا دو برنامه‌ی «توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی» یکی پس از دیگری پیش کشیده شد، اوج‌گیری دل‌بازی، رباخواری، و احتکار، این تحفه‌های زشت سوداگری مهارگسیخته، و گرانی سرسام‌آور، گرسنگی، بی‌سرپناهی، بیکاری، کمبود بهداشت و درمان و دارو، و نارسایی پرورش و آموزش در همه‌ی سطح‌ها بوده است.

در این میان، دست‌اندرکاران ناشایسته جز افزودن بر حجم اسکناس درگردش، کاهش ارزش پول ملی، به بار آوردن مبلغ‌های گزاف بدهی به کشورهای بیگانه، لطمه زدن به کشاورزی و صنعت، فروش نفت خام با بهای کمتر هیچ هنری از خود نشان نداده‌اند.

اکنون در ایران، که زمانی کانون شکوفایی فرهنگی و راست‌گویی و درستکاری بود، در پی فقر سیاه، ارزش‌های ورجاوند اخلاقی و عاطفی درهم‌ریخته و فضای اجتماعی سخت آلوده گردیده است و جنجال‌های قشریگرانه نیز کارسازی ندارد.

وقتی به جای سامان انقلابی^۱ آوازه‌گری‌های بی‌درون‌مایه همراه با وحشت‌افکنی و سرکوب به نگرانی از دستگاه‌های سیاسی و اداری کشور گمارده شود و، با نادیده گرفتن حیثیت ذاتی بشر و پای‌مال کردن حقوق ملت، آرزوهای بزرگ دستخوش هوس‌های کوچک گردد، جز این فرجامی نمی‌تواند داشته باشد.

شگفتا، در بحبوحه‌ی نابهنجاری‌های یادشده، سردمداران جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به موج فزاینده‌ی ناخشنودی و قهر سنگین مردم همچنان به کرسی‌های قدرت چسبیده‌اند و، برای نمای استوار دادن به پایه‌های لرزان فرمانروایی قلدرانه‌ی خود، به‌رغم برخوردهای درونی گسترده، درصدد برپایی خیمه‌شب‌بازی تازه‌ای زیر نام «انتخابات رئیس‌جمهوری» هستند و بر دامنه‌ی سرکوبگری‌های کور نیز در سراسر کشور افزوده‌اند.

در هنگامه‌ی اضطراب‌آمیز کنونی، درنگ بیش از این روا نیست و، همچنان که بارها گوشزد گردیده، ایرانیان در هر کجا به‌سرمی‌برند باید با زنده‌داشت همبستگی همگانی پافشارانه انجام پیش‌شرط‌های ضروری برای یک گزینش ملی را خواستار شوند تا در گذاری آرام به سامانی مردم‌سالارانه دست یابند.

خوش‌بختانه، از یک سال پیش، در این راستا، گام استواری برداشته شد و چهار سازمان سیاسی پیشینه‌دار «اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران» را پدید آوردند تا به پیکاری بی‌وقفه با سردمداران جمهوری اسلامی بپردازند و، با کنار زدن آن‌ها، زمام کشور را به برگزیدگان راستین مردم بسپارند.

از این رو، حزب ما، که از پیشگامان انقلاب بوده است، در هجدهمین سالگرد آن از همه‌ی سامان‌های سیاسی پای‌بند به استقلال ملی و آزادی‌های فردی و اجتماعی و عدالت همگانی و از همه‌ی نهادهای حرفه‌ای حوطلب در درون و بیرون از کشور می‌خواهد به اتحاد نوینیان یادگردیده بپیوندد و، با بسیج همه‌ی زنان و مردان ایرانی، خشم خاموش کنونی را به پرخاش و خروش بدل نمایند و برای همیشه بساط بیدادگری را از میهن خود برچینند.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران